خبرها

دستگیری مهمانی که صاحبخانه را کشت

شرق: تحقیقات درباره پرونده قتل مرد میانسالی که توسط برادر دامادش در خانه‌اش در خیابان فاطمی به قتل رسیده ادامه دارد. ساعت ۴ بعدازظهر روز یکشنبه (۱۴ خردادماه) مسئولان بیمارستان فیروزگر با کلانتری ۱۲۵ یوسف‌آباد تماس گرفته و اعلام کردند مردی ۴۷ ساله به نام ناصر در یک نزاع خانوادگی مجروح شده و به بیمارستان انتقال یافته است. ماموران پلیس در بیمارستان حاضر شده و متوجه شدند ناصر در اثر اصابت چاقو به قفسه سینه‌اش مجروح شده است. ناصر به پلیس گفت: برادر دامادم از ۲ روز پیش در منزل ما مهمان بود. حدود یک ساعت پیش با او درگیر شدم که او با چاقو به من ضربه زد و فرار کرد. در حالی که تحقیقات پلیسی درباره این پرونده ادامه داشت از بیمارستان خبر رسید که ناصر در اثر شدت جراحات جان خود را از دست داد. ماموران در بررسی‌های خود متهم ۵۷ ساله به نام ایوب را که در منزل خواهرش در فلکه دوم صادقیه مخفی شده بود شناسایی کرده و فردای آن روز او را در یک اقدام پلیسی در حالی که مشروب مصرف کرده بود بازداشت کردند. تحقیق از متهم در اداره آگاهی تهران ادامه دارد.

کشف جسد زن ۶۵ ساله در خانه‌اش

شرق: مرد ۳۷ ساله‌ای که مبتلا به بیماری روانی است به اتهام قتل مادر ۶۵ ساله‌اش بازداشت شد. جسد زن ۶۵ ساله عصر روز جمعه هنگامی توسط ماموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان کشف شد که از مرکز ۱۱۰ وقوع یک جنایت در خانه‌ای واقع در خیابان حبیب‌اللهی به پلیس گزارش شد. به این ترتیب ماموران کلانتری در محل حاضر شدند. مقتوله که فاطمه نام داشت با اصابت یک شیء تیز برنده به ناحیه شکم به قتل رسیده بود. در بررسی‌ها پسر ۳۷ ساله مقتول به نام فرشاد که گفته می‌شود مبتلا به بیماری روانی است و با مادرش زندگی می‌کرده در صحنه جنایت مشاهده شد. فرشاد که روی لباسش لکه‌های خون دیده می‌شد به عنوان اولین مظنون پرونده بازداشت شد. ماموران پلیس در بازرسی از آشپزخانه منزل مقتول آلت قتل را که یک چاقوی آشپزخانه بود از لابه‌لای ظروف کشف کردند. متهم برای انجام تحقیقات و کشف حقیقت به دایره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد.

کلاهبردار خانوادگی رضایت گرفت

شرق: سرکرده باند کلاهبرداری خانوادگی با گرفتن رضایت از تعدادی از مالباختگان خود، به یک سال حبس تعزیری محکوم شد. مهدی، منصور، عباس و صدیقه اعضای خانواده‌ای که از سال ۸۲ اقدام به تاسیس یک شرکت بازرگانی کرده بودند، با تاسیس این شرکت شروع به پیش‌فروش خودرو به متقاضیان می‌کردند. اعضای این خانواده با وجودی که خودرویی در کار نبود تحت پوشش نام شرکت بازرگانی قراردادهایی جهت فروش خودرو تنظیم کرده و مبالغی از متقاضیان دریافت می‌کردند اما مدتی پس از اخذ پول‌ها فرار کردند. مالباختگان که توقع دریافت خودرویشان را داشتند وقتی متوجه ناپدید شدن مرد صاحب شرکت و پسرانش شدند به ناچار به دادسرای فرودگاه مراجعه کرده و از اعضای این خانواده شکایت کردند. با دستور قضایی پلیس جست‌وجو برای دستگیری اعضای خانواده را آغاز کردند. اما با مراجعه به محل منزل آنها که با کمک یکی از ۸۰ شاکی پرونده آنجا را پیدا کرده بودند، موفق به یافتن آنها نشدند. در منزل متهمان یک خودروی پژو کشف و توقیف شد و مدتی بعد با زیر نظر گرفتن منزل متهمان پلیس موفق شد آنها را دستگیر کند. با دستگیری اعضای این خانواده، آنها رضایت تعدادی از شاکیان خود را جلب کردند و هم‌اکنون با شکایت ۲۴ شاکی مهدی به یک سال حبس تعزیری محکوم و روانه زندان شده است. سایر متهمان پرونده با رضایت مالباختگان از سوی قاضی یاری قاضی شعبه ۱۱۵۹ دادگاه عمومی جزایی تهران تبرئه شدند.

مادر و دختر فالگیر برای مردم نسخه خوشبختی می‌نوشتند

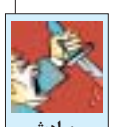
حوادث

شرق: یک مادر و دختر که با دعانویسی و طلسم و جادو از افراد کلاهبرداری می‌کردند، توسط پلیس دستگیر شدند. براساس گزارش‌های مردمی به پلیس مشخص شده بود که یک مادر و دختر رمال با نوشتن دعا و دادن طلسم برای بخت‌گشایی دختران و جلب محبت شوهران اموال زیادی جمع‌آوری کرده‌اند و از این راه اقدام به کلاهبرداری می‌کنند. بعد از مشخص شدن این موضوع ماموران با دریافت دستور قضایی این مادر و دختر را در غرب تهران دستگیر کردند.

ماجرای دستگیری این مادر و دختر از آنجا آغاز شد که زن جوانی چندی پیش به پلیس مراجعه کرد و طی شکایتی به ماموران گفت: مدتی پیش رفتارهای همسرم تغییر کرده بود. شب‌ها دیر به خانه می‌آمد و اصلاً به من اهمیتی نمی‌داد. خیلی نگران بودم. می‌ترسیدم شوهرم به من خیانت کند. تا اینکه یکی از دوستانم آدرس یک فالگیر و دعانویس را به من داد و گفت برایت دعایی می‌نویسد و علاقه شوهرت به تو بیشتر می‌شود. این زن ادامه داد: به خانه این مادر و دختر رمال در غرب تهران رفتم. او یک معجونی درست کرد و با خواندن وردهایی گفت: این معجون خوشبختی را به شوهرت بخوران که باعث می‌شود محبت او نسبت به تو بیشتر شود. زن رمال مبلغ صدهزار تومان بابت این معجون خوشبختی از من پول گرفت. من هم شبانه معجون را در غذای شوهرم ریختم اما شوهر بیچاره‌ام بعد از خوردن غذایش مسموم شد و من به تنهایی نیمه شب اسیر بیمارستان‌ها بودم تا شوهرم را درمان کنند.

بعد از اعلام این شکایت ماموران تحقیقات خود را برای دستگیری این مادر و دختر آغاز کردند که در همین هنگام چند دختر دم‌بخت هم به پلیس مراجعه کردند و گفتند که این مادر و دختر با فروختن انگشتر بخت‌گشا و مهره مار به قیمت ۲۰۰ هزار تومان مدعی شدند که بخت‌تان باز می‌شود و یک شوهر خوب به خواستگاری‌تان می‌آید. سرانجام با افزایش این نوع شکایت‌ها مادر و دختر در دام پلیس گرفتار شدند. دختر که ۲۶ ساله است و در رشته الهیات درس می‌خواند به ماموران گفت: از چهار سال قبل این کار را شروع کردیم. مادرم در محله فردی نام‌دار و معتمد بود و همه اهل محل برای حل مشکلاتشان به او مراجعه می‌کردند. من هم چند سال قبل خواب عجیبی دیدم و در آن به من الهام شد که برای حل مشکلات مردم دعا بنویسم. چند بار دیگر این خواب را دیدم. به آن توجهی نکردم اما وقتی این موضوع را به مادرم عنوان کردم گفت تو باید برای مردم دعا بنویسی و مشکلاتشان را حل کنی. اول کار بعضی از دعاهایی را که در حاشیه کتاب‌های معمولی نوشته شده بود به اطرافیانم پیشنهاد می‌کردم و جالب اینکه مشکلاتشان حل و حاجت‌شان روا می‌شد و فکر می‌کردند به خاطر من بوده است. همین عامل مرا وسوسه کرد تا دعانویسی کنم. وقتی مردم به من مراجعه می‌کردند با کمی دقت در چهره و حرف‌هایشان مشکلاتشان را می‌فهمیدم و دعایی می‌دادم و آنها هم برای تشکر پول به من می‌دادند. گاهی اوقات دختران پیش من و مادرم می‌آمدند و مهره مار به قیمت ۲۰۰ هزار تومان می‌خریدند و بخت‌شان باز می‌شد. همچنین من و مادرم با توجه به وضعیت ظاهری مراجعه‌کنندگان اول برایشان سرکتاب باز می‌کردیم بعد به بهانه ساختن طلسم و تهیه پوست آهو یا اعضای بدن حیوانات برای بخت‌گشایی و دور کردن اجنه و باز کردن طلسم و جادو مبالغ هنگفتی از آنها می‌گرفتیم و وقتی مشتریانمان زیاد شد تصمیم گرفتیم کارمان را توسعه بدهیم. در واقع درآمد زیاد این کار ما را وسوسه کرد. کم‌کم با یک دعانویس دیگر آشنا شدیم که پاکستانی بود و ملامحمدعلی نام داشت. با هم به او مراجعه کردیم تا برایمان خرمهره، پوست آهو و مهره مار و چیزهای دیگر تهیه کند اما یک بار سه میلیون تومان سر ما کلاه گذاشت و ناپدید شد. بعد از آن خودمان به بازار تهران می‌رفتیم و طلسم‌ها و رمزهای برنجی را برایمان حکاکی می‌کردند.

بازپرس دادسرای عمومی ۱۱ تهران در خصوص این پرونده‌ها به شرق گفت: بررسی پرونده‌ها در این باره نشان دهنده اغراض سودجویانه این افراد است. برخورد با کسانی که از این فضای امن با دستاویز قرار دادن اعتقادات مردم سوءاستفاده می‌کنند و در واقع به دنبال مقاصد شوم و طمع ورزی‌های خود هستند از دو منظر مردمی و حکومتی قابل بررسی است. به گفته وی اگر مردم به این مسائل حساسیت بیشتری نشان دهند و دقت بیشتری داشته باشند هم بازار این افراد کساد خواهد شد و هم مشکلی برای خودشان به وجود نمی‌آید. همچنین کار مراجع قانونی نیز برای برخورد با این افراد راحت‌تر خواهد شد. به گفته بازپرس پرونده در حال حاضر این مادر و دختر در زندان هستند و تلاش برای شناسایی شاکیان ادامه دارد.

متهم به قتل: مقتول نسبت به من سوءنیت داشت

شرق: مرد جوان افغانی متهم به قتل هموطنش در جلسه محاکمه انگیزه‌اش از قتل را سوءنیت مقتول به خود عنوان کرد. حشمت‌الله ۲۰ ساله متهم است داوود ۲۷ ساله را که هم‌خانه‌اش بوده با ضربات میله‌ای بر سرش به قتل رسانده است. شب پنجم شهریور ماه پارسال مردی در تماس با پلیس کرج از کشف جسدی در خانه مجردی در ملارد کرج خبر داد. مقتول، جوانی تبعه افغانستان به نام داوود بود که جای ضربات جسمی سخت روی سرش مشاهده می‌شد.

پلیس در تحقیق از سومین ساکن خانه مجردی متوجه ناپدید شدن حشمت‌الله جوان ۲۰ ساله ساکن همان خانه شد و بازداشت او را در دستور کارش قرار داد. مدتی بعد حشمت‌الله دستگیر شد و اعتراف کرد که با میله بر سر داوود زده و او را مجروح کرده است.

حشمت‌الله متهم به قتل ۲۰ ساله روز شنبه در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. ریاست این جلسه محاکمه را قاضی حسینی کوه‌کمره‌ای برعهده داشت. حیدری نماینده دادستان کیفرخواست را قرائت کرد و خواستار صدور حکم قانونی برای متهم شد. اولیای دم مقتول تقاضای قصاص متهم را کردند و سپس متهم برای دفاع از خود در جایگاه قرار گرفت.

او به قتل داوود با ضربات میله به سر متهم اعتراف کرد و گفت: قتل را قبول دارم، اما نمی‌خواستم او را بکشم. داوود قصد داشت به من تعرض کند و من هنگامی که فهمیدم به بهانه‌ای به حیاط خانه رفتم. دقایقی بعد با میله‌ای به اتاق بازگشتم و هنگامی که قصد تعرض داشت با هم درگیر شدیم. در حین درگیری با میله آهنی که برداشته بودم ضرباتی به سرش وارد کردم که او نقش زمین شد.

قضات دادگاه کیفری استان تهران پس از استماع دفاعیات متهم و وکیل مدافع او، برای صدور حکم پرونده به شور نشستند

آلمان از تب فوتبال می‌سوزد

گزارش کوتاه

شکوه طاهری*: چهارشنبه ۱۷ مه اولین تیم شرکت‌کننده در مسابقات جام جهانی فوتبال وارد آلمان شد. این تیم از مملکت توگو بوده که با ارسال تیم ملی خود برای شرکت در مسابقات این تب را دامن زده است. از هفته‌ها پیش این بیماری آثار خویش را آشکار کرده بود ولی هیچ فکر نمی‌کردم که با این سرعت پیشرفت کند. من نیز عوارض این بیماری را در بدنم حس می‌کنم زیرا سعی کردم که مسافت بین دهکده محل سکونتمان تا شهر کاسل را که ۳۰ کیلومتر است از دیدگاه جام جهانی بسنجم. ابتدا فکر می‌کردم که هیچ دیدگاه تازه‌ای را کشف نخواهم کرد، اما نادیده‌ها بسیار بود. اول از همه متوجه شدم که تابلوهای تبلیغاتی همگی رنگ فوتبال را به خود گرفته‌اند حتی تابلوهایی که از جانب پلیس برای رعایت اصول راهنمایی و رانندگی در مسافت‌های معین و مختلف همیشه و همه‌جا دیده می‌شوند به رنگ سبز (چمن) و با تقسیم‌بندی زمین فوتبال و با تیتر درشت (FAIR PLAY) برپا گشته‌اند. راه را به سوی کاسل ادامه می‌دهم. این شهر در قلب آلمان قرار دارد و جمعیتش حدود ۲۰۰ هزار نفر است. شهری است فرهنگی، دانشجویی، هنری و صنعتی و هیچ‌کدام از مسابقات جام جهانی در این شهر انجام نمی‌گیرد زیرا تیم بزرگ و موفقی را در صحنه لیگ آلمان ندارند. اما با این وجود مطمئن بودم که پیدا کردن سوژه و مطالب جالب در مورد فوتبال در این شهر مشکل نخواهد بود چون هوای آلمان پر از رایحه فوتبال است و در هر گوشه و کناری چشم‌ها، گوش‌ها، پاها و دست‌ها همه و همه به فوتبال برمی‌خورند و مشام بوی خوش استقبال از وقایع هیجان‌انگیز را استشمام می‌کند. چشم‌ها در هر گوشه‌ای توپ و زمین و کفش و لباس وو فوتبال را می‌بینند. گوش‌ها داستان‌های مختلف و نظریات متنوع‌تر را راجع به فوتبال می‌شنوند و دست‌ها و پاها، توپ‌ها و تریکوها و چمن‌ها را لمس می‌کنند. خلاصه مولکول‌های هوا مملو از فوتبال است. شهر کاسل پر از کافه‌ها و رستوران‌های دانشجویی و پارک‌ها و میدان‌های ورزشی است، بیشتر کارگران و کارمندان و دانشجویان بعد از تعطیل کار و تحصیل روزانه قبل از رفتن به منزل در این اماکن جمع شده و مشغول ورزش و یا بحث راجع به ورزش می‌شوند. این مسئله مختص به کاسل نیست بلکه در تمام شهرهای آلمان هر روزه این جریان تکرار می‌شود با این تفاوت که این روزها بحث‌ها و صحبت‌ها حول و حوش جام جهانی می‌گردد و بیشتر تفریحات هم به بازی فوتبال ختم می‌شود، گویی آنان با این عمل خود می‌خواهند تیم ملی خود را قوی‌تر کنند. با بنیامین (۲۱ ساله) صحبت می‌کنم. خود او در یک باشگاه کوچک فوتبال فعالیت چشمگیری دارد. در پاسخ سئوالم که آیا بلیت شرکت در هیچ یک از مسابقات را خریده فوراً می‌گوید نه و علتش را سیستم پیچیده و از نظر او بیهوده فروش بلیت‌ها می‌نامد. او می‌گوید برای خریدن بلیت در اولین نوبت نام‌نویسی کرده بوده، ولی متاسفانه در این لاتاری اسمش درنیامده بوده است. در مورد بازار سیاه می‌پرسم، می‌گوید بدبختانه این امکان از او و دیگران گرفته شده ولی از یک نظر بسیار خوب است زیرا دست احتکارچیان را از به راه‌اندازی بازار سیاه کوتاه کرده است، چون تمام بلیت‌ها فقط با نام خریدار و با تمام مشخصات شخص او به فروش رفته و قابل واگذاری نیستند و اگر کسی برحسب اتفاق نتواند در آن تاریخ (درج شده در بلیتی که به نام او صادر شده) در استادیوم حاضر شود باید باز هم توسط فیفا (فدراسیون بین‌المللی فوتبال) که تمام بلیت‌ها را فروخته و از راه اینترنت بلیت را برگردانده و فیفا هم آن بلیت را دوباره در بورس معینی با همان قیمت اولیه به متقاضیان می‌فروشد. بنابراین دست سیه‌فروشان بسته است. ولی بنیامین به هیچ‌وجه ناراحت نیست، زیرا تمام مسابقات از کانال‌های مختلف تلویزیونی پخش می‌شوند و او آپارتمان کوچک خود را طوری تغییر داده که بتواند در زمان مسابقات با پنج تن از دوستانش آنجا فضا و اتمسفر یک استادیوم کوچک را به وجود آورند. در میان دانشجویان دیگر فقط یک نفر را می‌بینم که بلیت یک مسابقه را برنده شده است و آن هم متعلق به مسابقه بین هلند و آرژانتین در گروه سی در تاریخ ۲۱ یونی است. او عقیده دارد که ایتالیا می‌برد ولی با این وجود آرزو دارد که فینال بین آلمان و ایتالیا باشد و البته آلمان با پیروزی از مسابقه بیرون بیاید. صدای فریاد چند نفر بلند می‌شود که این محال است. دو نفر شرط می‌بندند که ایتالیا قهرمان می‌شود، نفر دیگر فرانسه را برنده جام اعلام می‌کند و گروه سوم فقط برزیل را لایق این عنوان می‌دانند. رستوران دانشجویی را ترک می‌کنم، شهر کاسل همچنین برگزارکننده بزرگترین نمایشگاه جهانی هنرهای مدرن است که هر پنج سال یک‌بار به مدت صد روز برپا می‌شود. (تاریخ بعدی ۲۰۰۷) چندین نمونه از آثار هنرمندان در سال‌های قبل در پارک‌های مرکزی این شهر به طور دائمی به نمایش گذاشته شده‌اند و به این ترتیب همیشه تعداد زیادی توریست در اطراف این آثار به چشم می‌خورند. امروز هم به همانگونه است. اتوبوسی پر از دانش‌آموزان از شهری در بیست کیلومتری شهر کاسل برای بازدید آمده‌اند و آنها در اطراف این آثار در پارک‌ها قدم می‌زنند و شاید بدون اغراق ۷۰ درصد دانش‌آموزان پسر (بین ۱۰ تا ۱۲ ساله) تی‌شرت‌هایی با آرم مخصوص مسابقات جام جهانی را با رنگ‌های مختلف بر تن دارند. دو کارمند که در آفتاب ولرم نیمروزی (۱۸ درجه سانتیگراد) روی نیمکتی مشغول خوردن ناهار خود (ساندویچ) بودند و در عین حال از خواندن روزنامه غافل نمی‌شدند، با صدایی هیجان‌زده در عین طنزآمیز اخبار را برای یکدیگر تکرار می‌کردند؛ ۲۲ روز به آغاز مسابقات بیشتر نمانده و تعداد ۴۲۴۹۵ بلیت دوباره برای فروش عرضه می‌شود، از این بین ۵۰۰۰ فقط برای دور اول مسابقات آلمان است. اینها بلیت‌هایی است که شرکتی سوئیسی برای فروش به VIP در نظر گرفته بوده و به فروش نرفته‌اند که اکنون به قیمت اولیه دوباره برای فروش عرضه می‌شود. دیگری این خبر را می‌خواند که ۹۵ درصد از بلیت‌ها به فروش رفته که این به معنای فروش بیش از ۳ میلیون بلیت است. تقریباً در هر رستورانی هم این روزها یک گوشه به میز فوتبال دستی اختصاص داده شده است و صدای تق تق و داد و فریاد بازیکنان تمام شب به هوا است و جالب اینکه اگر از ممالکت شرکت‌کننده در جام جهانی دانشجویی در رستوران باشد مسابقه بین دو دوست انجام نمی‌گیرد بلکه این دو مملکت شرکت‌کننده در جام جهانی است. در گوشه‌ای از شهر به عده‌ای جوان برمی‌خورم که هر کدام اعلامیه لوله شده‌ای را در دست دارند و مشغول بحث در مورد فوتبال هستند از آنها می‌پرسم که آیا به خاطر به دست نیاوردن بلیت‌ها تظاهرات به راه انداخته‌اند؟ می‌خندند و یکی از آنها تابلویی را باز می‌کند. تظاهرات به خاطر ۵۰۰ یورو شهریه‌ای است که قرار است از ترم زمستانی سال آینده از دانشجویان مطالبه شود. بحث فوتبال آنها به خاطر ترکیب بازیکنان تیم ملی آلمان است. تقریباً همه طرفدار دروازه‌بان شماره یک لمن هستند و فقط یک نفر از تصمیم مربی تیم ملی گلایه دارد و معتقد است که بدون اولیور کان آلمان‌ها شانس برد را نخواهند داشت. آلمانی‌ها در مورد ایران فقط بازیکنانی که در لیگ درجه یک بازی می‌کنند را می‌شناسند و همگی معتقدند که همه آنها خوب بازی می‌کنند فقط بعضی از آنها تداوم در بازی ندارند و نمی‌توانند بازی را آن طور که شروع کرده‌اند به پایان برسانند. به عقیده این جوانان تیم ایران در مرحله اول حذف خواهد شد ولی اینها بی‌اطلاعند و ما تا فینال به جلو خواهیم رفت. از آلمانی‌های مسن‌تر در مورد برنده جام جهانی سئوال می‌کنم. همگی معتقدند که آلمان اصلاً شانسی ندارد و تیم‌های دیگر مانند برزیل و فرانسه و ایتالیا برنده خواهند شد. سئوال می‌کنم که مسابقات را کجا خواهند دید، اکثریت ۸۰ درصدی برنامه تماشای دسته‌جمعی در خانه را با خنده اعلام می‌کنند که همسرانشان نیز در این زمان با هم برنامه گذاشته‌اند و آنها را راحت می‌گذارند تا بتوانند با خیال راحت با یکدیگر بر سر یک تکه چرم چندرنگ و ۲۵ جفت پا (۲۲ بازیکن و ۳ داور) بحث و مرافعه و جدل کنند. به راستی آژانس‌های مسافرتی مختلف برنامه‌هایی مخصوص بانوان در طول مدت مسابقات جام جهانی ارائه می‌دهند، زیرا در آلمان هم اکثریت مسحوران فوتبال آقایان هستند. جنبه اقتصادی این مسابقات به قدری قوی است که شرکت‌ها و واحدهای مختلف اقتصادی داوطلبانه قسمت اعظم مخارج این مسابقات را به عهده گرفته‌اند. با سری به گردی توپ فوتبال و پایی به سنگینی کفش فوتبال به خانه برمی‌گردم بدون آنکه فهمیده باشم این همه جنجال‌ها بر سر چیست. آیا تمام قضایا بر سر لحاف ملانصرالدین نیست؟

*ایرانی مقیم آلمان

۲۲۰۵۳۳۷۲ — مردمک

برخورد سلیقه‌ای با بازنشستگی اساتید دانشگاه‌ها

در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا مسئولان دانشگاه‌ها اساتیدی را که از تجربه و سن بالایی برخوردار هستند مورد ارج و قرب قرار داده و حتی در نگه داشتن آنها در دانشگاه اصرار می‌ورزند اما متاسفانه مشاهده می‌کنیم که در کشور ما اساتید دانشگاه‌ها را به جرم داشتن سن بالا و به خاطر جوان‌گرایی از کار برکنار و یا بازنشسته می‌کنند. استادی که در یکی از تخصصی‌ترین رشته‌های دانشگاهی چندین سال درس خوانده به طوری که هنوز کسی به مرتبه او نرسیده به راحتی بازنشسته می‌شود. تا کی باید شاهد برخورد سلیقه‌ای با اساتید دانشگاهی باشیم و آنها را به دلایل واهی بازنشسته کنیم.

توهین به پیرزن‌ها در یک برنامه تلویزیونی

چند شب پیش برنامه‌ای ساعت ۸/۲۰ دقیقه از کانال ۵ تلویزیون پخش شد که در آن از یک خانم پرستار تشکر و قدردانی می‌کردند. مجری برنامه ادای پیرزن‌ها را درآورده و با لحن توهین‌آمیزی آنها را مورد تمسخر قرار داد. آیا این درست است در کشوری که برای سالمندان کارت منزلت صادر می‌کنند، مجری یک برنامه تلویزیونی در صدا و سیما ادای پیرزن‌ها را درآورده و به افراد سالمند این گونه توهین کند.

سهمیه فرهنگیان برای کنکور کارشناسی ارشد

سازمان سنجش در کنکور کارشناسی ارشد دانشگاه‌ها برای فرهنگیان در برخی از رشته‌ها سهمیه‌ای اعلام کرده است. اما مشکل این است که سهمیه به شرطی پذیرفته می‌شود که داوطلب حداقل ۹۰ درصد نمرات آخرین شخص قبول شده را آورده باشد. می‌خواستم بپرسم که با این درصد بالا چگونه اسم این را می‌توان سهمیه گذاشت؟ به این ترتیب میان کسی که معلم است و کسی که بدون سهمیه در کنکور شرکت می‌کند تقریباً تفاوتی وجود نخواهد داشت. از مسئولان سازمان سنجش خواهش می‌کنم که حداقل این درصد را تا ۶۰ یا ۷۰ درصد پایین بیاورند تا سهمیه معنی پیدا کند.

بی‌نظمی در برگزاری مراسم خداحافظی از تیم ملی فوتبال

دریانورد از بندرعباس: بعد از پایان دیدار تیم ملی فوتبال ایران و بوسنی مراسم خداحافظی از تیم ملی فوتبال ایران برگزار شد. اما این برنامه به همه چیز شبیه بود غیر از مراسم خداحافظی. هر کسی را می‌دیدی داخل زمین رفته بود متاسفانه در مراسم پایانی لیگ برتر فوتبال ایران نیز این گونه بی‌نظمی‌ها و بی‌برنامگی‌ها دیده می‌شد. بسیاری از کشورهای حوزه خلیج فارس این برنامه‌ها را خیلی بهتر از ما برگزار می‌کنند اما ما کماکان در برگزاری این مراسم بی‌نظمی را مشاهده می‌کنیم. واقعاً معلوم نیست که مسئول برنامه‌ریزی و ساماندهی به این گونه مراسم‌ها در فدراسیون فوتبال چه کسی است؟

یکسان‌سازی مالیات حقوق‌بگیران

در حال حاضر از حقوق کارمندان دولت فقط ۱۰ درصد مالیات کسر می‌شود ولی در مورد کارمندان و کارگران غیردولتی این مالیات از ۱۰ درصد شروع شده و به صورت پلکانی در حال افزایش است. از دولت و مجلس تقاضا می‌کنیم برای رفع هر گونه تبعیض و بی‌عدالتی در حق کسانی که در مشاغل غیردولتی مشغول به کار هستند مالیات حقوق‌بگیران را یکسان کنند.

زمان به سرعت می‌گذرد
هپاتیت را جدی بگیریم
ما را در راه یاری رساندن به بیماران صعب العلاج یاری دهید
حساب جاری: ۶۳/۷۶۶۷
بانک سپه میدان هفتم تیر تهران
به نام انجمن خیریه حمایت از بیماران کبدی تلفن: ۸۸۸۹۴۴۳۳

(مشاوره رایگان)
سمعک
کلینیک شنوایی بیمارستان طوس با ۱۵ سال سابقه
همراه داشتن این آگهی دارای تخفیف ویژه
تخصص ما در تجویز سمعکهای نامرئی است
• اگر نگران ظاهر سمعک هستید با سمعکهای نامرئی آمریکایی ما، این اضطراب بی مورد است.
• گارانتی و خدمات پس از فروش تا ۱۰ سال
• چنانچه خود و یا یکی از اعضاء خانواده دچار کاهش شنوائی خفیف و یا شدید می باشید بطوریکه صدای رادیو و تلویزیون را آنقدر زیاد می کنید که باعث ناراحتی اطرافیان می گردد و یا برای آنکه بشنوید، دیگران مجبورند جملات را چند بار تکرارنمایند می توانید همین امروز با ما تماس بگیرید.
تلفن واحد پاسخگویی و تعیین وقت قبلی در تهران ۸۸۷۷۳۴۳۹-۸۸۷۹۳۳۳۸ (۱۰ صبح تا ۱۵ عصر)
آدرس: ابتدای خیابان مطهری، از سمت ولی عصر، دست چپ، بیمارستان طوس، کلینیک شنوایی
فرانید

جمعیت آفتاب
کلینیک تخصصی درمانی، بازتوانی و اقامتی
درمان تخصصی وابستگی به مواد مخدر مطابق با استانداردهای علمی
مشاوره حضوری رایگان - مشاوره تلفنی
ارائه انواع روش سم‌زدایی به صورت سرپایی و بستری و درمان با متادون
مشاوره فردی، خانوادگی و گروه درمانی
تهران، ابتدای خ سهروردی جنوبی، شماره ۳ تلفن: ۳-۷۷۶۳۹۰۷۲
E-mail:Headoffice@aftabsociety.org Site: www.aftabsociety.org

آگهی مزایده
(فروش ملک)
یک شرکت تحت پوشش در نظر دارد نسبت به فروش ملک خود به مساحت ۴۶۲۵۰ متر مربع با کاربری صنعتی، اداری و تجاری در بهترین موقعیت بر جاده قدیم کرج از طریق مزایده عمومی اقدام نماید.
از متقاضیان خرید دعوت می‌شود جهت کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مزایده ظرف مدت ۷ روز از انتشار آگهی و با ارایه معرفی نامه با شماره تلفن‌های:
۴۴۹۲۳۳۶۷ و ۶۸
و یا
۴۴۹۲۲۹۱۱-۲۰ (داخلی ۲۷۵۳)
تماس تا هماهنگی لازم جهت بازدید از ملک نیز به عمل آید.
روابط عمومی

آگهی مزایده حضوری
بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کردستان در نظر دارد اقلام مشروحه ذیل مازاد بر نیاز خود را از طریق مزایده حضوری به فروش برساند.
نیسان وانت ۲ دستگاه | رنو سواری ۱ دستگاه
نیسان پاترول ۱ دستگاه | موتور سیکلت ۳ دستگاه
لندرور پاژن ۳ دستگاه
مقداری لوازم و اثاثیه اداری: میز، صندلی، فایل، دستگاه فتوکپی و غیره
طالبین می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و بازدید اقلام مذکور به نشانی: سنندج، انتهای خیابان ۱۷ شهریور، انبار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی مراجعه و یا با تلفن‌های: ۳۲۳۰۱۵۵-۳۲۳۵۰۰۳-۰۸۷۱ تماس حاصل فرمایند.
زمان بازدید: ۸۵/۳/۹ لغایت ۸۵/۳/۱۷ زمان برگزاری مزایده: صبح روز پنجشنبه ۸۵/۳/۱۸

مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد الغدیر
ارائه دهنده خدمات آموزشی فنی و حرفه ای (دوره های کامپیوتر، حسابداری و ...)، توان بخشی و مشاوره ای صد در صد رایگان ویژه معلولین جسمی حرکتی جهت ترم تابستان کار آموز می‌پذیرد.
آدرس شعبه جنوب عربی: تهران، یافت آباد، میدان الغدیر، ضلع شمالی پارک شهدای یافت آباد، شماره ۱۳۶، تلفن: ۵-۶۶۳۰۵۳۵۲
شماره حساب کمک های مردمی: جاری ۱۴۳۰ بانک صادرات شعبه خلیج کد ۴۲۷۹ به نام مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد
www.south-raad.org